

از ظهور تا قیامت...

محمود مطهری نیا



مقدمه

هر قدر بیشتر شود بر سردرگمی او نیز افزوده می‌گردد. حال شرایطی را تصور کنید که معصومان (ع) حدود دوازده قرن قبل بنا داشته‌اند از دوره‌ای صحبت به میان آورند که در آن عقول کامل می‌شود، علوم رشدی در حد سیزده و نیم برابر پیدا می‌کنند، پایین‌ترین سطح سواد عمومی جامعه به حد اجتهاد می‌رسد و... طبیعی است که جز بیان اجمالی چاره‌ای نیست و ما هرگز نمی‌توانیم تصور کنیم اگر کم‌سوادترین فرد یک جامعه مجتهد باشد، باسوادترین و عالمترین شخص چه سوادى خواهد داشت. به این موارد باید حضور ملائک و جنیان را در مناسبات روزمره اجتماع افزود.

۲. منابع، گزارش‌ها و روایاتی که در آنها به ویژگی‌های جهان پس از ظهور اشاره شده است، از حیث اعتبار و صحت اسناد، متنوعند. برخی از آنها را می‌توان مسلم و صحیح دانست و در عین حال درباره برخی نمی‌توان با قطعیت اظهار نظر کرد. گاه روایاتی دیده می‌شوند که از حیث سند یا محتوا به نظر ضعیف و دارای مشکل می‌آیند، اما با گذر ایام صحت آنها اثبات می‌شود؛ لذا همه این روایات را نمی‌توان با یک چشم‌نگریست و در حال حاضر اظهار نظر قطعی نمود. نگاه ما در این نوشتار نیز از حیث ترتیب مطالب، صحت و اسناد و... اظهار نظر قطعی نیست و صرفاً بر اساس آنچه به دست ما رسیده حوادث و جریانات پس از ظهور را دنبال نموده‌ایم.

۳. درباره برخی از این روایت‌ها نیز باید گفت، اصل ماجرا و اصل آنها متواتر و صحیح است اما درباره جزئیات آن نمی‌توان با چنین جزمی سخن گفت؛ برای نمونه هرچند به تصریح روایات سفیانی شخصیتی است که در آستانه ظهور امام عصر (ع) شورش خواهد نمود اما در عین

ظهور امام عصر (ع) واقعه‌ای شریف است که از زمان حضرت آدم (ع) بسیاری چشم انتظار وقوع آن بوده‌اند و در رأس آنان می‌توان از انبیا و رسولان الهی و پیروان ایشان یاد کرد. در منابع مختلف و کتاب‌های مقدس ادیان آسمانی و غیر آسمانی متعددی می‌توان در این رابطه مطالبی یافت. در این میان، مطالبی که در منابع اسلامی آمده به مراتب بیش از دیگر متون است. با این حال با مطالعه مطالب و روایاتی که درباره ظهور در متون اسلامی آمده چند نکته مهم و اساسی جلب توجه می‌نماید:

۱. به رغم اهمیت و جذابیت ظهور و دوران پس از آن، جز تصویری اجمالی و کلی از آن دوره ارائه نشده است. آثار مانند «عصر زندگی» نوشته محمد حکیمی، چشم اندازی به حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) نوشته نجم الدین طبری و دولت کریمه امام زمان (ع) نوشته مرتضی مجتهدی سیستانی آثار شاخصی هستند که به تبیین این دوره پرداخته‌اند. هرچند محققان و مؤلفان این آثار تلاش در خور تقدیری برای به تصویر کشیدن این عصر داشته‌اند، اما هر خواننده‌ای با مطالعه این آثار ارزشمند به خوبی و در نهایت وضوح، اجمالی بودن روایات توصیف کننده این دوران را درمی‌یابد. این اجمال را باید ناشی از ضعف درک و ناتوانی ساکنان دوره‌های پیش از ظهور به خصوص مقطع صدور احادیث و مخاطبان اهل بیت (ع) در فهم و تصور اجزای آن دوره بدانیم؛ برای نمونه و فهم بهتر می‌توان حالتی را تصور کرد که شما قصد دارید برای کسی که پانصد سال قبل می‌زیسته از اینترنت و موشک و تلفن همراه صحبت کنید. در چنین شرایطی شما هیچ چاره‌ای جز بیان اجمالی ندارید؛ زیرا اجزای توصیف شما



از ظهور تا قیامت

هر چند راویان و مؤلفان حوزه مهدویت مانند بسیاری دیگر از حوزه‌های اسلامی چندان به موضوع توالی حوادث و اتفاقات توجه جدی نداشته‌اند و از همین رو مجموعه قابل توجهی از آنچه امروز درباره گذشته و آینده در اختیار داریم فاقد ترتیب و توالی تاریخی هستند با این اگر مجموعه روایات بیان کننده ظهور را اگر کنار هم بچینیم با در نظر گرفتن مقدمات پیش گفته می‌توان مقاطع پس از ظهور را چنین تصویر نمود:

۱. ظهور اصغر

غیبت امام عصر(ع) دارای دو مرحله صغری و کبری بود. مرحله اول تا سال ۳۲۹ هجری ادامه یافت و از آن پس مرحله دوم آغاز گشت. تا کنون حدود یازده قرن از آن تاریخ می‌گذرد. هر چند مجموعه‌ای از روایات از معصومان پیش از امام زمان(ع) درباره غیبت نقل شده و دهان به دهان و سینه به سینه در میان شیعیان منتقل می‌شد اما با این حال برای آماده سازی شیعیان ماجرای غیبت طی دو مرحله رخ داد. جالب اینجاست که به رغم این تمهید و مقدمه چینی، بنا بر آنچه در برخی منابع تاریخی آمده شیعیان به فرقه‌های متعدد تقسیم شدند^۱ و با زحمات بزرگانی مانند شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ مفید بود که از آن فرقه‌ها تنها شیعیان دوازده امامی باقی ماندند.

یکی از اتفاقات مهمی که در دوره غیبت کبری افتاده و به راحتی می‌توانیم آن را در اطراف خود ببینیم عادت کردن شیعیان به غیبت امام عصر(ع) است. این ماجرا تا آنجا پیش می‌رود و ادامه می‌یابد که به تعبیر روایات مردم می‌گویند به ایشان و خاندان پیامبر(ص) ما را نیازی نیست. از همین رو پیش از ظهور حضرت مهدی(ع) دوره‌ای را که از آن با عنوان دوره ظهور اصغر یاد می‌شود، شاهد خواهیم بود که همانند دوره غیبت صغری زمینه ساز دوره بعد خواهد شد. روایات مقطوع کوتاهی پیش از

حال نمی‌توان درباره تعداد افرادی که به دست او در نجف و بغداد و دیگر شهرهای عراق یا مدینه کشته خواهند شد صحبت نمود؛ زیرا معلوم نیست تعداد بیان شده در روایات^۲ بیان کننده کثرت بوده‌اند یا تعداد دقیق. یا در مواردی مانند طلوع خورشید از مغرب نمی‌توان به قطع گفت آیا منظور واقعا تغییر در روال عادی طبیعت است یا باید برای فهم این عبارت از ابزاری مانند تاویل(که البته علم اصلی آن نزد اهل بیت علیهم است) تمسک جست؟!.

۴. درباره مدت حکومت امام عصر(ع) عبارات مختلفی یافت می‌شود که گاه صحبت از ۳ یا ۵ یا ۷ سال است و گاه ۳۰۹ سال. دیدگاه مختار ما در این نوشتار رقم حداقل ۳۰۹ سال است^۳ با تأکید بر اینکه نمی‌دانیم این ۳۰۹ سال بر اساس محاسبات عادی ماست یا بر اساس محاسبات روزهای قیامت و خدایی که به تصریح آیه ۴۷ سوره حج و آیه چهارم سوره معارج هر سال خدایی معادل پنجاه‌هزار سال‌های ماست. احتمال اینکه محاسبات سال و ماه در این دوره حالت سومی باشد منتفی نیست، به خصوص که جریان طبیعت در آن دوره با دوره‌های پیش از خود متفاوت است. برای نمونه اینکه در روایات آمده مردم با وجود نور امام عصر(ع) از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند^۴ اگر بیانی تاویل پذیر نباشد و دقیقاً همین اتفاق بیفتد باید معیار دیگری برای شمارش سال و ماه و حتی روز و ساعت به کار گرفته شود؛ زیرا مبنای محاسبه ما برای ساعت، روز، هفته و ماه و سال خورشید است. ما از این مطلب نیز بی‌اطلاعییم.

اولاً همه آن را همزمان می‌شوند، ندا از آسمان است و حتی افراد خسبیده با این صدا از خواب بیدار می‌شوند. لازمه قبول آن تأویل چنین است که ما حالتی را تصور کنیم که برنامه‌ای به طور زنده و به مستمر از آسمان و همزمان در تمام نقاط عالم و به زبان‌های مختلف پخش شوند و گیرنده‌هایی در جای جای عالم وجود داشته باشد که ثانیه ثانیه این برنامه را با صدای رسا و کیفیتی عالی دریافت کند. مجموعه این تصورات به نظر می‌آید جز خیالی بیش نیست.

بعد از ظهر یا شامگاهان همان روز ابلیس بانگ برمی آورد که حق با عثمان است.^{۱۸} فرض پخش رسانه‌ای این بانگ منتفی نیست؛ زیرا نه حقانیتی دارد و نه اوصافی به مانند ندای جبرئیل امین برای آن برشمرده شده است. نکته مهم درباره این دو بانگ آسمانی این است که به طور طبیعی باید تفاوت میان دو جریان شناخته شده باشد: جریان شیعی به رهبری فرزند امیرالمومنین (ع) و جریان عثمانی که در دو ندای حضرت جبرئیل (ع) و ابلیس لعین مردم بدان‌ها دعوت می‌شوند. به عبارت دیگر باید این مطلب را حاکی از حذف یا تضعیف تمام رقبای فکری یا دینی دانست.

همان طور که در بند بعد خواهیم دید امام عصر (ع) در این مقطع ظهور محدودی برای افراد معدودی خواهند داشت که نتیجه اقدامات ایشان اعزاز نفس زکیه به مکه است.

۴. آغاز دعوت: شهادت نفس زکیه تا عاشورا



پس از وقوع مجموعه همه حوادثی که تا به حال از آنها یاد کردیم شعاع‌های نورانی آن خورشید تابان بیش از پیش نمایان گشته و حضرت مهدی (ع) فرستاده‌ای از جانب خویش به مکه اعزام می‌کنند که علاوه بر روشن شدن اوضاع و کسب خبر از آنها مقدمات آن انقلاب مبارک را فراهم کند. جوانمردی هاشمی (محمد بن الحسن که همان نفس زکیه است)، در بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه پس از قیام خویش وارد مسجدالحرام شده و بین رکن و مقام ایستاده و نامه‌ای شفاهی از ناحیه حضرت را برای مردم مکه قرائت می‌کند که در این نامه خبری از توهین

ظهور را چنین توصیف کرده‌اند که نام حضرت مهدی (ع) بر زبان‌ها جاری شده و سیراب محبت ایشان می‌گردند.^{۱۴} برخی بزرگان بر این باورند که اندکی بیش از پنجاه سال است که در این دوره قرار گرفته‌ایم.^{۱۵}

۲. آستانه ظهور (آغاز فعالیت‌های سفیانی و یمانی)

آنچه در روایات با عنوان نشانه‌های حتمی ظهور از آنها یاد شده پنج موردند که شورش سفیانی در شام و قیام یمانی به طور همزمان در ماه رجب پیش از ظهور (شش ماه قبل از آن) اتفاق می‌افتند.^{۱۵} از این مقطع به بعد مجموعه‌ای از اتفاقات رخ می‌دهند که غالباً اقدامات و جنایات سفیانی و سپاهیان‌ش است. این مجموعه اتفاقات که علاقه‌مندان، می‌توانند تفصیل آن را در کتاب «شش ماه پایانی» مطالعه نمایند، فضای جهان را ملتهب می‌کند و نوعی آشفتگی جدی در جهان نمایان می‌شود.

۳. ظهور محدود: صیحه تا شهادت نفس زکیه



سرآغاز ظهور را باید تاریخ ۲۳ ماه رمضان پیش از ظهور (عاشورا) بدانیم. در صبحگاهان این روز جبرئیل امین و ملک مقرب خداوند ندا در می‌دهد: «صبح نزدیک شد. بدانید حق با مهدی (و در برخی روایات آل علی (ع)) و شیعیان اوست.»^{۱۶}

این ندا را همگان به زبان خویش می‌شوند و با شنیدن این صدا خواب‌ها بیدار، نشسته‌ها ایستاده می‌شوند.^{۱۷} این اوصاف را برخی به ابزارهای مدرن امروزی تاویل می‌کنند گویا حضرت جبرئیل برای رساندن پیام الهی نیازمند ماهواره و اینترنت است. این تصور ناشی از ضعف ایمان ما نسبت خداوند، بی‌اطلاعی از خلقت و قدرت ملائکه الهی و به خصوص مقربان آنها و نیز حجت مند و بر حق دانستن ابزارهای مدرن است. اوصافی که برای این ندا بیان شده هرگونه احتمال دیگری غیر از صریح آنچه را در روایت آمده منتفی می‌سازد؛ به خصوص اینکه

شام، عراق و شبه جزیره عربستان به بخش‌هایی از ایران نیز لشکر کشی کرده، اولین شکست خود را از خراسانی و در منطقه استخر (حوالی شیراز) از خراسانی تجربه می‌کند^{۲۶} و اندکی پس از ظهور (تنها پنج روز) بخش قابل توجهی از سپاه خود را که در بیابانی میان مکه و مدینه از دست می‌دهد. این سپاه برای مبارزه با امام و ممانعت از اقدامات پس از ظهور از مدینه به مکه گسیل داشته شده بودند. جبریل ملک(ع) مأمور نابود کردن و به زمین فرستادن این لشکر است. از این سپاه تنها دو یا سه نفر ملقب به بشیر و نذیر زنده می‌مانند که شرح ماجرا را به اطلاع امام زمان(ع) و سفیانی می‌رسانند.^{۲۷}

پس از این دو شکست، سپاه سفیانی به طور مداوم از سپاهیان امام(ع) که هر لحظه بر تعدادشان افزوده می‌شود شکست می‌خورد تا اینکه در حوالی دریاچه طبریه امام زمان(ع) و سفیانی در مقابل هم قرار می‌گیرند. به رغم تمام جنایات و فجایعی که در این مدت به بار آورده بود امام زمان(ع) که مظهر رحمت الهی است و بسان رسول اکرم(ص) ملقب به عنوان ممتاز «رحمه للعالمین»^{۲۸} سفیانی را به خیمه خویش فراخوانده و با چنان ملایمت و مهربانی با او ملاقات و صحبت می‌کنند که او از کرده خویش پشیمان شده و تصمیم به تسلیم شدن می‌گیرد. او با یک دنیا ندامت به خیمه و خرگاه خویش باز می‌گردد امام فرماندهان سپاه او را دوباره وادار به نبرد با سپاهیان امام(ع) می‌کنند و او را به بدفرجامی بازمی‌گردانند.^{۲۹}

۷. بازگشت مسیح و پایان بخشیدن به جریان سفیانی



در این مقطع و پیش از بسته شدن پرونده سفیانی، حضرت مسیح(ع) به زمین باز می‌گردد. بازگشت او مقارن با یکی از وعده‌های نماز است. او در حالی که همچنان آب وضوی او خشک نشده به عنوان وزیر حضرت مهدی(ع)، در میان سپاهیان امام(ع) قرار گرفته و در نماز به ایشان اقتدا می‌نماید.^{۳۰} سفیانی در نبرد با امام(ع) شکست می‌خورد و پرونده او برای همیشه بسته می‌شود. لازم به ذکر است غریبان و یهودیان در این نبرد به یاری سفیانی می‌شتابند که هیچ ثمری برای او نخواهد داشت.

و بی‌احترامی و تهدید نیست و ضمن آن حضرت از مردم مکه طلب یاری و نصرت می‌کنند. بقایای نظام منحوس حاکم در حجاز جرمی شنیع مرتکب شده و وی را در حالی که بین رکن و مقام ایستاده، شهید می‌کنند که این جرم عاقبت آنها را مشخص می‌کند و معلوم می‌سازد که حضرت ۱۵ روز بعد^{۱۹} که بناست ظهور شریفشان رخ بدهد، باید با آنها چگونه رفتار بکنند. چنین فاجعه دردناکی در مدینه بر سر پسر عموی نفس زکیه - که نام خودش محمد و نام خواهر (دوقلویش) فاطمه است - می‌آید و هر دو را بر سر در مسجدالتبی(ص) اعدام می‌کنند.

ابو بصیر هم از امام باقر(ع) ضمن حدیثی بلند روایت کرده است: «حضرت مهدی(ع) به یاران خویش می‌فرمایند: ای قوم (همراهان) اهالی مکه مرا نمی‌خواهند ولی برای آن که حجت بر آنها تمام شود و خود هم به وظیفه‌ام عمل کرده باشم (یکی از شما را) به سوی آنها می‌فرستم. سپس یکی از یارانشان را خوانده و به او می‌فرمایند: به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهالی مکه من فرستاده فلانی (حضرت مهدی(ع)) هستم و او برای شما چنین پیغام فرستاده که ما خاندان رحمت و معدن رسالت و خلافتیم. ما نوادگان حضرت محمد(ص) و سلاله پیامبران هستیم به ما ظلم شده و آزار رسانده‌اند و ما را سرکوب کرده‌اند. حقمان را تا به امروز به زور از زمان رحلت پیامبر(ص) گرفته‌اند. از شما طلب یاری می‌کنیم پس یاریمان کنید. وقتی این جوانمرد این پیام را رساند به سوی او می‌آیند و مابین رکن و مقام او را که نفس زکیه است می‌کشند.»^{۲۲}

۵. ظهور اکبر: عاشورا

ظهور امام عصر(ع) به تصریح آنچه در روایات آمده مصادف با روز عاشورا و بنابر مشهور جمعه یا به تعبیر برخی روایات شنبه^{۲۱} خواهد بود. یاران امام عصر(ع) دسته‌ای شبانه و دسته‌ای بامدادان با سوار شدن بر ابرها یا طی الارض خود را به امام(ع) می‌رسانند.^{۲۳}

۶. عاشورا تا ربیع الاول سال اول ظهور

در این مقطع در میان یاران امام، به طور شاخص می‌توان یمانی و خراسانی را مشاهده نمود که از دو منطقه خاورمیانه با سپاهیان خویش به یاری امام می‌شتابند. بنابر روایات یمانی از حقانیتی بیش از خراسانی برخوردار است و خراسانی و فرمانده سپاه خویش شعیب بن صالح^{۲۴} برای امام حجت بر دیگر سپاهیان و همراهان از امام(ع) تقاضای معجزه و کرامت می‌کند. امام هم جلوه‌ای از اعجاز خویش را به ایرانیان می‌نماید و پس از آن ایشان با حضرتش بیعت می‌کنند. سفیانی که علاوه بر

سویبی امام (ع) از تمامی فرصت‌ها بهره می‌برند و برای ابلاغ پیام جهانی خویش اقدام می‌نمایند و از سوی دیگر در طول قرون متمادی و پیش از تولد امام زمان (ع) برای ممانعت از اقدامات عدالت گسترانه ایشان مترصد ظهور بوده‌اند. ظالمان که حضرت مهدی (ع) را در هم شکننده تمام هیمنه خویش می‌دانسته‌اند هرگز برای مخالفت و مبارزه با ایشان زمانه را از دست نخواهند داد. به خصوص که می‌دانند هر لحظه‌ای که از ظهور بگذرد بر تعداد یاران و شیفتگان امام زمان (ع) افزوده خواهد شد. در برخی از روایات سرآغاز این نبرد را پناه بردن بازمانده سپاه سفیانی به غرب بیان شده است.^{۳۳} ظاهراً در این ماجرا غربیان حضرت مسیح (ع) را میانجی خویش قرار می‌دهند و قرارداد صلحی میان دو طرف برای مدت هفت سال برقرار می‌گردد.^{۳۴}

۱۱. نبرد دوم با غرب و شکست آنان



غربیان تنها با گذشت نه ماه، دو یا سه سال (به اختلاف روایات) از عقد این قرارداد صلح، آن را نقض می‌کنند و با سپاهی متشکل از هشتاد پرچم (شاید کنایه از کشور باشد) و نزدیک به یک میلیون سرباز به مسلمانان حمله ور می‌شوند.^{۳۵} به رغم حضور این خیل سپاه جهانی در منطقه فلسطین، که با همراهی برخی از اعراب با غربیان ادامه می‌یابد به نفع مسلمانان و سپاه ظهور خاتمه می‌یابد.^{۳۶} متأسفانه به غلط برخی نبرد قرقیسیا را معادل اسلامی آرماگدون در نظر می‌گیرند.^{۳۷} با نگاه دقیقتر می‌توان ادعا کرد غربیان با در نظر گرفتن نبرد نهایی امام عصر (ع) با روم و غرب داستان آرماگدون را ساخته‌اند یا در منابع آسمانی تحریف ناشده‌ای که به طور محرمانه و مخفیانه در اختیار دارند^{۳۸} از این نبرد اطلاع یافته‌اند و حقایق مربوط به آن را برای خویش تحریف کرده‌اند.^{۳۹} مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نبرد مجال دیگری می‌طلبد اما به اجمال باید این دو را بسیار شبیه بدانیم.

۱۲. شورش دجال و کشته شدن

ماجرای دجال با اوصاف خاص او مطلبی است که غالباً

۸. جنگ با یهود و فتح کامل خاورمیانه



بنابر روایات متعددی که ذیل آیات آغازین سوره بنی‌اسرائیل بیان شده دومین شکست جدی یهودیان در طول تاریخ به دست یاوران امام عصر (ع) خواهد بود. این مطلب را در منابع اهل تسنن نیز می‌توان یافت. برای نمونه: «قیامت برپا نشود تا اینکه بین مسلمانان و یهودیان جنگی رخ دهد که مسلمانان همه آنان را به هلاکت رسانند؛ به گونه‌ای که اگر شخصی یهودی در پشت درخت یا صخره‌ای پنهان شود آن درخت و صخره به صدا در آمده و می‌گوید: ای مسلمان، یک یهودی در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن...»^{۴۱} همان طور که مشاهده می‌شود این جنگ متفاوت با جنگ‌های معمولی خواهد بود به نحوی که نباتات و جمادات نیز به یاری یاران امام زمان (ع) خواهند آمد تا به ظلم‌ها و جنایات پایان نپذیرد یهود خاتمه بخشند. با تسلط بر فلسطین و مناطق اطراف آن در این مقطع، امام زمان (ع) بر منطقه خاورمیانه مسلط می‌شوند.

۹. دعوت جهانی

با استقرار حکومت مهدوی در منطقه خاورمیانه، اقدامات تبلیغی برای رساندن فرهنگ اصیل اسلامی به تمام مناطق جهان آغاز می‌شود. حضرت مسیح (ع) مأمور رساندن این پیام به گوش مسیحیان و پیروان خویش را برعهده دارند. در پی این اقدامات تبلیغی، غربیان که تاب حکومت عدل و جهانی امام عصر (ع) ندارند به جنگ با ایشان می‌پردازند.^{۴۲}

۱۰. نبرد اول با اهل کتاب و غربیان تا صلح با غرب

درباره زمان آغاز و مدت این نبرد در روایات مطلبی یافت نشد اما با توجه به شواهد و قرائن می‌توان آن را در ماه‌های آغازین پس از ظهور تصور کرد. زیرا ایشان در مدتی کمتر از سه ماه بر خاورمیانه مسلط می‌شوند و پیش از آن با صیحه جبرئیل همگان با شخصیت حضرت مهدی (ع) و اهداف و برنامه‌های ایشان آشنا شده‌اند. از

بیان نموده‌اند. پس از ظهور امام عصر(ع) طی نبردی ابلیس به همراه اعوان و انصار جنی و انسی‌اش در برابر امام و یارانشان صف آرایی می‌کنند. نتیجه این نبرد نیز شکست شیطان و یاران اوست و در پایان این جنگ، ابلیس در مسجد کوفه به دست امام زمان(ع) کشته می‌شود.^{۴۵} از همین روست که نوع مشکلات و آزارهایی که دوستداران و پیروان و مبلغان امام عصر(ع) در دوره غیبت از شیاطین جن و انس می‌بینند به مراتب بیش از دیگران است. از این مقطع به بعد میزان سنجش افراد بر اساس نحوه برخورد با نفس اماره شان است؛ زیرا دیگر وسوسه کننده‌ای از بیرون وجود ندارد و افراد تنها از درون وسوسه را تجربه می‌کنند.

۱۵. حکومت جهانی

با حذف موانع بیرونی دریافت و فهم حقیقت، زمینه هدایت بشریت فراهم می‌شود. دوره استقرار حکومت امام زمان(ع) ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که علاقه مندان می‌توانند به منابعی که در این رابطه وجود دارد مراجعه نمایند.^{۴۶} در این دوره حداقل ۳۰۹ ساله انسان‌ها از سویی با تمام مشکلات و بحران‌هایی که در دوره‌های مختلف و به خصوص آخرالزمان و آستانه ظهور با آن مواجه بوده‌اند، وداع می‌کنند و از سویی تمام آمال و آرزوهایی را که بشر همواره در دل می‌پروراند به دست می‌آورند. این حل مشکلات و تحقق آرزوها در تمام عرصه‌های علمی، فرهنگی، امنیتی، طبیعی و ... به منصف ظهور می‌رسد.

۱۶. وفات مسیح

حضرت مسیح(ع) که در دوره اول زندگی خویش بی همسر و خانمان می‌زیست پس از بازگشت در دوره ظهور امام عصر(ع) ازدواج می‌کند و در دوره استقرار و پس از سال‌ها وزارت امام عصر(ع) دار دنیا را وداع می‌گوید و مراسم تدفین او را امام عصر(ع) انجام می‌دهند. ایشان در طول دوره دوم حیات خویش نقشی بسزا در ترویج اسلام و رهبری امام زمان(ع) در میان اهل کتاب و به خصوص مسیحیان ایفا می‌کنند.^{۴۷}

۱۷. وفات امام عصر(ع)

امام زمان(ع) نیز پس از صدها سال زندگی در دوره غیبت و چند صد سال زندگی در دوره پس از ظهور مدتی پس از حضرت مسیح(ع) وفات می‌یابند. گزارش‌هایی که درباره شهادت ایشان به دست ما رسیده چندان قابل اعتماد نیستند و باید رحلت ایشان را به طور طبیعی و نه شهادت بدانیم با در نظر گرفتن اینکه شهید نشدن از فضایل ایشان نمی‌کاهد. با وفات امام عصر(ع) دوره اصلی رجعت آغاز می‌شود.

در منابع اهل سنت آمده است و در منابع شیعی معمولاً به بیان کلیات و مطالب اجمالی درباره این موضوع اکتفا شده است. منابع مسیحیان نیز به وفور درباره دجال و اقدامات او سخن گفته‌اند تا جایی که در حال حاضر، آنان به دنبال یافتن مصداق یا مصداق‌های آن هستند. در منابع مسیحیان، مسیح نبی(ع) را قاتل دجال معرفی کرده‌اند و در منابع اسلامی نیز گاه ایشان و گاه حضرت مهدی(ع) را کشنده دجال بیان نموده‌اند.^{۴۰} دجال شخصیت، جریان یا ابزاری است که عده‌ای در دوره آخرالزمان به خویشتن فریفته می‌سازد و زمینه کفر و ناسپاسی جمعیت بسیاری را فراهم می‌آورد. به استناد روایاتی که به دست ما رسیده این ماجرا در دوره امام عصر(ع) خاتمه می‌یابد و در دمشق، باب لد^{۴۱} کشته می‌شود.

۱۳. نبرد با یاجوج و ماجوج

یاجوج و ماجوج دو شخصیت یا امتی بوده‌اند که ذوالقرنین در قرآن کریم از آنان با عنوان مفسد فی الارض یاد کرده است.^{۴۲} ماجرای این دو در دوره بعد از ظهور و پس از جریان دجال، تکرار می‌شود که از حیث گستره و طرف‌های درگیر و دیگر ویژگی‌ها کاملاً متفاوت با آن خواهد بود. بررسی ماجرای یاجوج و ماجوج مجال مفصلی می‌طلبد و علاقه مندان می‌توانند کتاب یاجوج و ماجوج نوشته شیخ توفیق حسن علویه را مطالعه نمایند. در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌شود که فتنه این دو نیز به دست امام عصر(ع) برچیده می‌شود.^{۴۳}

۱۴. نبرد با ابلیس و مرگ او



ابلیس پس از آنکه در ماجرای خلقت حضرت آدم(ع) بر او سجده نکرد و از درگاه الهی رانده شد در صدد انتقام از این مخلوق تازه خداوند بر آمد. او با توجه به معرفتی که به خداوند داشت به عزت او قسم خورد که به جز مخلصان، دیگر انسان‌ها را گمراه کند و برای همین امر از خداوند تا روز قیامت مهلت خواست. خداوند تا موعد مشخصی (بوم الوقت المعلوم) به او مهلت داد.^{۴۴} در روایات متعددی که ذیل این آیه آمده، آن موعد مشخص را ظهور امام عصر(ع)

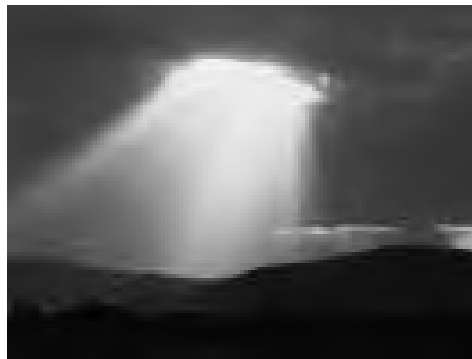
در این دوره نبرد نمادین بزرگی میان بهترین‌ها و بدترین‌های تاریخ بشریت رخ می‌دهد و در آن جبهه حق فائق می‌شود. علاقه‌مندان درباره دوره رجعت و ویژگی‌های و اتفاقات مربوط به آن باید به آثار ارزشمندی که به قلم بزرگانی چون علامه مجلسی، آیت الله طیبسی (ترجمه میرشاه ولد) و... و نیز ویژه نامه «رجعت» ماهنامه موعود که چندی پیش منتشر شد مراجعه نمایند.

۱۹. مقدمات قیامت

همان طور که خلقت در شش مرحله و به تعبیر قرآن کریم شش روز اتفاق افتاد پایان خلقت خاکی نیز طی چند مرحله خواهد بود. پس از وفات آخرین حجت الهی بنا بر برخی روایات چهل روز جهان در نوعی ابهام و سردرگمی طی طریق خواهد نمود. در پی دمیدن اول اسرافیل در صور خویش، ابتدا همه انسان‌ها می‌میرند و دیگر موجودات نیز جان خویش را از دست می‌دهند. جان همه را عزرائیل و جان او را اسرافیل می‌گیرد و او نیز با اراده الهی می‌میرد و طی مدتی خداوند تنها حی عالم خواهد بود. پس از آن خداوند اسرافیل را زنده نموده و او مجدداً در صور خویش می‌دمد و همه خلایق از اول تا آخر زنده می‌شود و صحنه قیامت برپا می‌شود. پرداختن به موضوع قیامت به خصوص با رویکرد مهدوی مجالی بسیار مفصل می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود است.

۱۸. رجعت



دوره رجعت که در منابع گاه از آن به عنوان ضروریات مکتب تشیع یاد می‌شود دوره‌ای است که اطلاعاتی بسیار اجمالی درباره آن به دست ما رسیده است. با استفاده از مبانی و مستندات قرآنی و روایی متعددی می‌توان اجمال مربوط به دوره رجعت را اثبات نمود اما درباره جزئیات این دوره طولانی مدت که در روایات گفته شده هر کس نوه هزارم خویش را می‌بیند و سیدالشهدا (ع) چنان عمر می‌کند که ابروهای ایشان روی چشم‌هایشان می‌افتد^{۴۸} نمی‌توان با قطعیت صحبت نمود. امام حسین (ع) اولین رجعت کننده است که به تدفین امام عصر (ع) می‌پردازند. پس از ایشان حضرت امیر (ع) و رسول اکرم (ص) نیز به دنیا باز میگردند. بنابر روایات متعدد منظور از خروج «دابه الارض» که مربوط به این دوره دانسته شده همان رجعت امیرالمومنین (ع) است^{۴۹} و دیگر گزارش‌ها چندان قابل اعتنا و لحاظ کردن نیستند.^{۵۰}

آقای ثانی‌ها!

آیا از سرزمین یاس‌ها آمده‌ای که عطر نفس‌هایت از فرسنگ‌ها جانمان را می‌نوازد؟!

یا از سرزمین آیین‌ها آمده‌ای که صداقت در کلامت موج می‌زند...؟! چشمان پرگناه ما هرگز تو را ندید. اما با قلبمان تو را همیشه احساس می‌کنیم. سالله زهر!!

از دل‌تنگی زیاد گفته‌ایم و زیاد شنیده‌ای اما مسئله این است آیا باور کردنش برایت آسان است یا دشوار!

آقای لحظه‌های پرتلهاب من!

جهان در پشت میله‌های زندان «چه کنم» گرفتار است و زمین با همه وجود خود «ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس» را احساس می‌کند.

مهربان تر از باران!

کودکان فقیری را در سرزمین‌های غنی غارت شده بارها دیده‌ام که حتی

نوزادانی را که سال‌ها در انتظارشان بوده‌اند می‌فهمم. من چنگال‌های بی‌رحم نامردان عالم که بر جوانی جوانان ما چنگ می‌اندازد را می‌بینم.

من قلم‌هایی را که تو را افسانه می‌خوانند می‌دانم.

باور افلاکی من!

انگار هنجرة هنجارهای اسلام را غبار حرص و غفلت مسلمان آزار می‌دهد و من هنوز هم متحیرم که خدا چقدر صبور است!

شاهد دادگاه عدل!

بگذار تا اعتراف کنم که اگر به اندازه جرع‌ای عاشقت بودیم می‌آمدی. نیستیم که نمی‌آیی...

حکومت عشق در مملکتی علم می‌شود که مردمش عاشق باشند؛ آری ما فقط عاشقی را «شعار» داده‌ایم و بس.

مهربانان! مگذار تسبیح نگاهمان از فرط جدایی دانه دانه شود...

اللهم بلغ مولانا الإمام الهادی المهدی (عج)

به اندازه یک نفس کشیدن به آینده امیدی ندارند. فرزندان که از درد لاغری و گرسنگی به سادگی می‌شود دنده‌های نازک آنها را شمرد.

عزیز فاطمه!

من مادرانی را دیده‌ام که فرزندان خود را در قنداقه‌ای پر از گل‌های سرخ می‌پیچند اما به جای گهواره آنها را در گوری سرد می‌نهند و به جای لالایی نشید زار می‌خوانند.

آقای پر از احساس!

من آوارگان پر از خاک و نیاز را که به هزاران بیم و امید به سرزمین‌های همسایه می‌گریزند و از مرگ به سوی تحقیر می‌شتابند را بارها دیده‌ام.

تنهاترین مرد خدا!

من عروسک‌های بچه‌های همسایه (فلسطین) را که چشمانش خون و دست‌هایش تیغ آتش است که می‌بینم از عروسک‌های مخمل خودم می‌ترسم. من تازه عروسان بیوه شده و عمر یک روزه